



۲۰۱۶/۰۶/۰۵



حمید انوری

آخر بر ما چه رفته است؟!

"افغانستان مقام دوم را در منطقه در تصادف جاده ای دارد"

عجب دور و زمانه ای شده، این ملک بی در و پنجره را چه افتاده است که در هر اتفاق بد و کار زشتی در صدر جدول جهانی قرار دارد. چه می شود کرد و چه باید کرد، اینبار در مقام دوم قرار گرفته ایم، اما امید است لااقل در این یکی، "رفتن ما به عقب رو به دوام" باشد. آخر بر ما چه رفته است؟! جهت مطالعه این گزارش به لینک ذیل کمی فشار دهید، اما از روی لطف از مشت و لگد خودداری ورزید:

افغانستان مقام دوم را در منطقه در تصادف جاده ای دارد

معذور داریم اگر دیده به دانسته از مشت و لگد سخنی به میان آمدی، آخر در چهل و اندی سال گذشته اگر توپ و تفنگی و تیر و تلواری در اختیار نداشته ایم، مشت و لگد ما در اختیار خود ما بوده است و چپ و راست هر شام وصبا و هر پگاه و بیگامی بی محابا و بی دریغ حواله هموطنان خود کرده ایم و دگر به این کار چنان خو گرفته ایم که اگر روزی چنین نکنیم، گویا چیز ارزشمندی را گم کرده ایم. چکنیم کار خارجی هاست دگه!!! آخر بر ما چه رفته است!؟

در این سیه مشق سر آن ندارم تا به چند و چون حادثات ترافیکی در کشور پرداخته و یخن ترافیک شاهراه را بگیرم و یا ریاست ترافیک و یاهم سرک ساز و سرک باز و سرک خر و سرک فروش را و یا هم از دور تیری بسوی رانندگان بی احتیاط پرتاب کنم، خود به گزارش بالا دقت کنید و قضاوت هم با شما. مگر چون در این حادثات جانخراش و جگر سوز هم مقام دوم را از آن خود کردیم، چار ناچار باید به رُخ دیگران کشید، حال به خوب و بد آن هم کاری ندارم.

اما من از این واهمه دارم که چنگ و دندان نشان دادن ها و مشت و لگد پرتاب کردن ها، نیش زدن ها و شاخ نشان دادن ها این روزها از طریق اینترنت مُد روز گشته است و ترسم این است که انتحاری های اینترنتی، کامپیوتر ها و اینترنت را نیز نه به نام اسلام و جهاد، بلکه به نام روشنفکر و تاریک فکر و استاد و رونده، تحصیل یافته و تحصیل گم کرده، دانشمند و دانش بند، سیاست مدار و سیاست دار و سیاست باز و سیاست بر و سیاست فروش و سیاست خر و... چنان به گند کشند و چنان از مواد منفلقه و بم و راکت و انفجار و انتحار مالمال سازند که دگر هیچ کسی جرئت نکند حتی کامپیوتر خود را روشن کند و خیر خود را در آن ببند که در تاریکی بسر برد و عطای کامپیوتر و اینترنت را به نقایش بخشد. آخر بر ما چه رفته است!؟

میگویند: "کلوخ انداز را پاداش سنگ است"، این بدین معنی تواند بود که هرگاه کلوخی به خانه کسی پرتاب نمائی، منتظر نباش که به خانه ات گُل پُرتاب کند، منتظر پُرتاب سنگ از جانب مقابل باش. همینگونه است ضرب المثل زیبای وطن ما که همین مطلب را به گونه دگر می‌رساند: "مزن به در کسی به انگشت، تا نزنند به در تو به مشت".

و اما و مگر هستند یک مشت افراد روزگزاران و خوش بگو و خوش بخند و غیر مسؤول که گاه به ریش این خندیدی و گاهی هم به ریش آن، غافل از آنکه لحظه هم سر درگیربان خود نکردی و صرف برای یک لحظه هم به این فکر اندر نشدی که گویا به احتمال قوی اشرف مخلوقاتش خواندندی و اشرف مخلوقات را نشاید که بر هم‌نوع خود خندیدی و انسانی را به تمسخر و استهزا گرفتی. این کار ناشایست و سخیف به منزله این تواند بودی که تمسخر بر کار خدا کردی.

چه خوش گفتی شیخ ابولحسن خرقانی:

"هر که در این سرا درآید نانش دهد و از ایمانش می‌رسید، چه آنکس که به درگاه

باریتعالی به جان ارزد، البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد."

یار زنده و صحبت باقی...

